

متن پرسش

با عرض سلام و ادب و احترام خدمت استاد عزیز: آقای سعید جلیلی در چندین دوره مذاکره سنگین و پیچیده با نمایندگان کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، روسیه و چین منظومه‌ای از اقتدار و عقلانیت و منطق و حقانیت و استواری و اعتدال توأم با انعطاف را از مکتب اسلام به نمایش گذاشته است بنحوی که غربیها را با همه حيله گری و چموشی بر مداری منطقی و گریز ناپذیر وارد کرده است و آنان را بین پذیرش واقعیت‌ها و یا رفتارهای نابخردانه و رسوای در دیپلماسی رایج امروز در تعارضی آشکار قرار داده است. نگاهی اجمالی بر فضای حاکم بر گفتگوها از سوئی و موضوع و متن گفتگو از سوی دیگر و بعلاوه هندسه و تسلسل مذاکرات بیانگر آن است که یک نگاه و مدیریت جامع توأم با اقتدار و خودباوری جهت مذاکرات را از فضای تاریک و مبهم و غیر قابل محاسبه به مداری منظم و مشخص و قابل پیش بینی و منطبق بر واقعیتها برگردانده است. این اقتدار و خودباوری بیانگر اعتقاد و ایمانی توأم با یقین و بصیرت می‌تواند باشد. با توصیفات فوق آیا چنین شخصی با این تجربه موفق در صحنه اجرایی کشور قادر خواهد بود انقلاب رو به تکامل و رشد در حرکت خود چندگام به جلو ببرد. و آیا چنین فردی می‌تواند تیلور آمال و آرزوهای انسانهای فرهیخته و مردم انقلابی در صحنه اجرای کشور و ادامه دهنده تجربه‌های موفق دولت فعلی و پیراسته از نقصهای آن باشد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده با توجه به این که معتقدم انقلاب اسلامی، بر عکس سایر انقلاب‌هایی که در صدساله‌ی اخیر گرفتار ارتجاع و عقب‌گرد شده، حقیقتی دارد که به خوبی می‌تواند رو به جلو رود و به اهدافی که هنوز دست نیافته برسد و همان‌طور که حضرت امام خمینی «رضوان‌الله تعالی علیه» فرمودند: «راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهان‌خواران حل نکنند و لاقلاً خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند آسوده خواهند بود؟» پس ما نباید از این نکته‌ی مهم غفلت کنیم که تنها با روحیه‌ای حماسی و با تلاش برای قدرتمند شدن در مقابل جهان امروز می‌توانیم به حیات مستقلانه‌ی خود ادامه دهیم. حضرت امام خمینی «رضوان‌الله تعالی علیه» می‌فرمایند: «کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهان‌خواران را نمیدانیم. ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند! البته ما مطمئنیم که در همین شرایط نیز آنها که با روحانیت اصیل کینه دیرینه دارند و عقده‌ها و

حسادتهای خود را نمیتوانند پنهان سازند آنان را به باد ناسزا گیرند. ولی در هر حال آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است. که اگر بند بند استخوانهایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعلههای آتشان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستمان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمکنیم.» این روحیه تنها روحیه‌ای است که ما را از گرفتارشدن از ارتجاع گفتمانی نجات می‌دهد هرچند متهم شویم این گفتمان، گفتمان طالبانی است. خطری که از سخنان بعضی از کاندیداها و یا نمایندگان فکری آنها به چشم می‌خورد، خطر غفلت از موقعیت جهانی نظام اسلامی ایران و انقلاب اسلامی است. گویا آقایان گمان می‌کنند ملت از اهداف تاریخی خود دست برداشته ملتی که بنا است نظامی ماوراء نظام جهانی را به بشریت ارائه دهد. ارادت به رهبری ارادت به روحیه‌ی انقلابی کسی است که می‌داند در جهان امروز چگونه باید عمل کرد و لذا در توصیه‌ی خود به نامزدها در سالگرد امام فرمودند: «بعضی با این تحلیل که به دشمنان امتیاز بدهیم تا عصبانیت آنها را نسبت به خودمان کم کنیم، عملاً منافع آنها را به منافع ملت ترجیح می‌دهند»، این نشان می‌دهد روحیه‌ی مورد نظر رهبری روحیه‌ی کوتاه‌آمدن در مقابل بیگانگان نیست، بلکه برخورد مقتدرانه با بیگانگان است. این روحیه در جناب آقای دکتر جلیلی به خوبی نهادینه شده و بدین لحاظ در مقابل نمایندگان شش قدرت جهانی در پای میز مذاکره، خود را نمی‌بازد چون فهمیده است ایران به عنوان یک ابرقدرت دارد جای خود را در جهان امروز باز می‌کند. بنده این روحیه را در سایر نامزدها □ در عین آن‌که برای بعضی از آنها احترام قائل هستم □ ندیدم. لذا اگر ما به دنبال آن هستیم که نقش تأثیرگذاری خود را آن‌طور که شأن انقلاب است حفظ کنیم نمی‌توانیم از آقای دکتر جلیلی به عنوان رئیس جمهور این کشور چشم‌پوشی کنیم و امیدوار به نامزدهایی باشیم که مطمئن نیستیم در حال حاضر می‌توانند ماوراء سبک مدیریت غربی، انقلاب اسلامی را مدیریت کنند و کشور را از ضایعات مدیریت غربینجات دهند. از این جمله‌ی رهبری در سالگرد رحلت حضرت امام «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» ساده نگذربد که فرمودند: نامزدها «قول بدهند که به مسئله‌ی اقتصاد که امروز میدان چالش تحمیلی بر ملت ایران از سوی بیگانگان است، به خوبی خواهند پرداخت» آیا از این جمله بر نمی‌آید که ما باید در همان راستایی که با بیگانگان درگیر بوده‌ایم و هر روز به جلو رفته‌ایم، مسائل اقتصادی را نیز حل کنیم؟ پس چرا بعضی‌ها گمان می‌کنند می‌توانیم با کوتاه‌آمدن در مقابل بیگانگان مشکلات اقتصادی را مرتفع نماییم و در این راستا ملت ایران را از روحیه‌ی انقلابی و قاطع آقای دکتر جلیلی می‌ترسانند که اگر ایشان رئیس جمهور شوند کار بدتر می‌شود. این به جهت آن است که نمی‌دانیم ما تنها با مقاومت در مقابل بیگانگان می‌توانیم از تنگنای زندگی غربی و اقتصاد غربی رها شویم. رهبر عزیز «حفظه‌الله» فرمودند: «عصبانیت آنها ناشی از این است که شما هستید، ناشی از این است که جمهوری اسلامی هست» آنها می‌خواهند از عصبانیت دشمن کم کنند می‌دانند در عمل باید از هویت خرج کنند و موجودیت ما را به عنوان جمهوری اسلامی بفروشند. چه سخن عالمانه‌ای است سخن دکتر جلیلی که

می‌فرماید: «نخواهیم گذاشت ما را به اسم تنش‌زدایی از پشت خیمه‌های دشمن عقب بکشند» و لذا می‌فرماید: «تهدیدزدایی را به جای تنش‌زدایی دنبال می‌کنم». و این با قدرتمندشدن نظام ممکن است در حالی که روحیه انقلابی خود را به بهانه‌ی تعادل فرو ننهیم و بدانیم تعادل در امروز همین روحیه رهبری است که می‌فرمایند من انقلابی‌ام و نه دیپلمات. و تنها با روحیه انقلابی و تقابل با کفر جهانی است که در مسیر انبیاء تاریخ قرار می‌گیریم و مفتخر به مددهایی می‌شویم که ریشه‌ی کفر و استکبار را برمی‌کند و وعده‌ی الهی بر ملت ما جاری می‌شود که فرمود: « فَقُطِعَ دَائِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا » پس به جهت روحیه‌ی مقاومت شما ریشه‌ی ظالمان و ستمکاران قطع خواهد شد. موفق باشید